

بخشوده درس:

# مستون فقه ۳ (حقوق عمومي و بين الملل)

کرد آورنده:

جناب آقاي فرساد دارايي

موسسه آموزش عالی فروردین قائم شهر

بسم الله الرحمن الرحيم

استاد: فرشاد دارایی

متون فقه (۳) وصیت و ارث

تعریف فقه: علم به احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی

حکم شرعی: حکمی که منشأ آن خداست و به وسیله معصومین به ما نقل شده است.

حکم شرعی: اصلی و فرعی

حکم شرعی اصلی: حکم مربوط به اصول عقاید، مثل معاد.

حکم شرعی فرعی: ۱- عبادات، ۲- معاملات، ۳- قضائیات، ۴- جزائیات

فقیه کسی است که فقاهاست دارد به تمام احکام شرعی.

ریشه لغوی وصیت مورد اختلاف است، عده ای از فقها می گویند ریشه وصیت از ایصاء است و مصدر باب افعال است، عده ای می گویند مصدر باب تفعیل است و از توصیه می آید.

علاوه بر ریشه لغوی وصیت، ماهیت حقوقی وصیت نیز مورد اختلاف است. عده ای می گویند وصیت تملیکی عقد است و وصیت عهدی ایقاع عده ای می گویند وصیت در هر صورت ایقاع است.

وصیت {تملیکی} = عقد، عهدی = ایقاع

۱- وصیت تملیکی عقد است وصیت عهدی ایقاع. (استادکتر کاتوزیان و مرحوم دکتر شهیدی و مرحوم دکتر امامی)

۲- وصیت در هر صورت ایقاع است. (استاد دکتر جعفری لنگرودی)

عقد: قصد انشای متقابل دو یا چند شخص برای ایجاد یک ماهیت حقوقی.

چون عقد از امور اعتباری است قصد انشاء لازم دارد.

ایجاب و قبول باید در ایجاد ماهیت حقوقی رکنیت در سبب داشته باشد یا هر دو جزء سبب باشند.

ایقاع: ایجاد ماهیت حقوقی با یک قصد انشا و یا چند قصد انشا که با هم بدون وجود رابطه ی متقابل در ارداده ها ایجاد شود. مثلاً وقتی چند نفر با هم شخصی را که به آنها بدهکار می باشد ابراء می کنند اگرچه چندین قصد انشاء در موضوع دخالت دارد لیکن این ابراء باز هم ایقاع است زیرا اراده ها در تقابل یکدیگر نیستند.

باید توجه داشت که تفاوت وجود دارد میان تقابل اراده و تعارض اراده.

وصیت عهدي یا ناظر به مال است یا سرپرستی طفل.

مثلاً کسی به دیگری می گوید شما وصی من هستید که بعد از فوت من خانه من را بفروشی.

مقدمه :

۱- وصیت در لغت یعنی پیوند دادن چیزی به چیز دیگر ، زیرا در قالب وصیت ، شخص اقدامات بعد از حیات را به اقدامات حال حیات پیوند می دهد.

۲- در باب تعریف وصیت و ماهیت حقوقی آن اختلاف است ، لذا قانون مدنی وصیت را تعریف نکرده و مستقیم سراغ تقسیم بندی وصیت رفته است .

۳- تعریف علمی وصیت: وصیت عملی است حقوقی و معلق به فوت که به موجب آن انسان در حقوق مالی خود به مباشرت تصرف می کند و یا در مورد مال یا مولی علیه خود برای دیگری ایجاد ولایت می کند.

۴- وقتی می گوئیم وصیت عملی است حقوقی یعنی اعم است از عقد و ایقاع.

۵- هر وصیتی معلق به فوت است و وصیت در زمان حیات صدق نمی کند.

۶- اگر شخصی وصیت نکند و فقط تملیک غیر معوض و معلق به فوت کند در حکم وصیت است.(مثل هبه معلق به فوت )

۷- وصیت از اعمال انسان است و نه شخص.

۸- منجزات مریض : از نظر برخی از فقها در شمار وصیت قلمداد می شود ، لیکن نظر فوق در حقوق کنونی پذیرفته نیست.

۹- تصرف به مباشرت در تعریف ارانه شده ما حاکمی از وصیت تملیکی است.

موضوع وصیت : موضوع وصیت تملیکی همیشه مال است زیرا فقط مال قابلیت تملیکی دارد.

موضوع وصیت عهدي می تواند مال باشد و همچنین سرپرستی محجورین.

تفاوت وصیت تملیکی و عهدي :

۱- محدود بودن قلمرو وصیت تملیکی خاص و وصیت عهدي عام است.

۲- مستقیم و غیر مستقیم بودن : انشاء تملیک در وصیت تملیکی متعلق به خود وصیت کننده است در حالی که اگر وصیت عهدي ناظر بر تملیک اموال باشد، انشاء تملیک مربوط به شخص موصی نیست ، بلکه مربوط به شخص وصیت کننده به او اعطای ولایت نموده است.

## اصطلاحات :

۱- موصي : کسی که وصیت می کند.

۲- موصي له : کسی که ذینفع وصیت تملیکی است و یا ذینفع وصیت عهدي در صورتي که ناظر به تمليك مال باشد.

۳- موصي به : مال مورد وصیت ( وصیت شده به آن ) اعم است از وصیت تملیکی و عهدي.

۴- وصي : شخصی که در وصیت عهدي از جانب موصي مأمور شده است.

نکته : وصیت تا يك سوم نافذ است.

به ترتیب :

۱- هزینه کفن و دفن

۲- پرداخت دیون

۳- عمل به وصیت ، فقط يك سوم خالص تقسیم میشود طبق وصیت.

تعریف علمی وصیت تملیکی : تصرف معلق به موت و به مباشرت انسان در حقوق مالی خود اعم از عین و منفعت که متضمن تمتع مجانی دیگران باشد.

وصیت عهدي : استیفای معلق به موت از حق خود از طریق استخلاف ( جانشین ) .

کسی را در وصیت نمی توان از ارث محروم نمود.

زمانی که دیون بیش از ماترك است ، در اصطلاح می گویند دین مستغرق (غرق کردن ، پوشش دادن )، ماترك است.

هر وصیتی قابل رجوع است مادام که موصي زنده است.

نتیجه :

۱- هیچ وصیتی دست موصي را نمی بندد.

۲- ملاك آخرین اراده موصي است.

۳- قابلیت رجوع جزء ذات وصیت است و قابل اسقاط نیست.

عمل حقوقي : يك عمل اعتباري است که آثار حقوقي دارد.

رخداد دنیا {مادي و حقوقي

حقوقي :

۱- واقعه حقوقي : يك امر مادي است كه اثر حقوقي دارد . اثر حقوقي مسؤل شدن براي جبران خسارت.

۲- عمل حقوقي : يك عمل اعتباري است كه آثار حقوقي دارد. قصد انشاء دارد.

عقد : قصد انشاي متقابل دو يا چند شخص براي ايجاد يك ماهيت حقوقي.

{ دو قصد انشاء يا بيشتر براي ايجاد ماهيت ملاك است. دو قصد انشاء بایستی نقش سببي در ايجاد ماهيت داشته باشد.

سبب - شرط - عدم مانع

سبب : يعني ركني كه وجود آن موجب ايجاد معلول و عدم آن موجب عدم معلول است.

شرط : ركني است كه وجود آن براي ايجاد يك معلول مورد نیاز است اما از وجود آن وجود معلول حاصل نمي شود، اما از عدم آن عدم معلول حاصل مي شود.

عدم مانع : يعني جمع سبب و شرط در صورتي می تواند باعث ايجاد يك ماهيت شود كه موجه با مانعی نباشد.

ماده ۱۹۰ ق . م

۱- قصد طرفین = سبب ( اگر قصد نباشد عقد باطل است ولي رضا و اهليت نباشد غير نافذ است. ) البته منظور اهليت ناقص است

۲- رضا = شرط

۳- اهليت = شرط

۴- موضوع معين = شرط

۵- مشروعيت جهت معامله = عدم مانع

منجزات مريض : ممكن است شخصي بیمار شود و در عين حال نسبت به اموالش تصرفاتي انجام دهد فرضاً هبه منجز يا صلح بلاعوض كند ، در اين صورت فقها معتقدند در صورتي كه شخص به همان مريضی كه در آن اقدام به تصرفات حقوقي فوق نموده است از دنيا برود در اين صورت تصرفات فوق در حكم وصيت است و در نتیجه داخل در همان يك سومي خواهد بود كه موصي قادر به وصيت مي باشد. ليكن حقوقدانان معتقدند با توجه به اصل آزادي اراده ها و هم چنین اين قاعده فقهی كه مالك مي تواند در اموال خود هر نوع تصرفي بنمايد و هم چنین اين كه مريضی موجب زایل شدن اهليت نمي باشد لذا تصرفات منجز مريض داخل در موضوع وصيت نمي باشد.

نکته : دليل اينكه فقها اين موضوع را منجزات مريض ناميده اند اين است كه اعمال فوق برخلاف وصيت معلق به فوت نمي باشد بلكه شخص في الحال و منجزاً اموال خود را تملك مي نمايد

ارث

موجبات ارث { نسب و سبب

نسب : طبقه اول ، طبقه دوم ، طبقه سوم

نسب در خط مستقیم ، نسب در خط اطراف

موانع ارث : ۱- قتل مورث ، ۲- لعان ، ۳- کفر ، ۴- ولادت از زنا

نسب یعنی اتصال کسی بر اثر ولادت که خود بر دو دسته است ، در خط مستقیم و در خط اطراف

نسب در خط مستقیم در حالتی است که افراد متولد از یکدیگرند ، مانند پدر و فرزند ، مادر و فرزند.

لیکن در خط اطراف افراد متولد از یکدیگر نیستند ، مثل خواهر و برادر

سبب : ارث بردن از سبب در فقه به ۴ صورت است :

۱- ازدواج ، ۲- ولاء عتق ( آزاد کردن بنده ) ، ۳- ضمان جریره ( همسایه ) ، ۴- امامت

از میان اسباب ذکر شده تنها سببیت نکاح است که در قانون مدنی تصریح شده است بنابراین بر خلاف فقه ارث بردن به موجب سبب صرفاً " ناشی از نکاح است ، آن هم نکاح دائم .

موانع ارث : ۱- قتل مورث ، ۲- لعان ، ۳- کفر ، ۴- ولادت از زنا

طبقه	دسته	درجه
طبقه اول :		

دسته اول : پدر و مادر = درجه اول از طبقه اول

دسته دوم : اولاد ، ( درجه اول از طبقه اول ) ، اولاد اولاد ( درجه دوم از طبقه اول )

طبقه دوم :

دسته اول : جد و جده ( اجداد ) ، درجه اول از طبقه دوم ، ابي و امي

دسته دوم : برادر و خواهر ( اخوه ) ، ( درجه اول از طبقه دوم ) ، ابي و امي و ابویني ( پسر عمو و پسر عمه ، درجه دوم از طبقه دوم )

طبقه سوم :

دسته اول : عموها و عمه ها ( درجه اول از طبقه سوم ) ، ابي و امي و ابویني ( پسر عمو و پسر عمه ، درجه دوم از طبقه سوم

دسته دوم : خاله ها و دایي ها ( درجه اول از طبقه سوم ) ، ابي و امي و ابویني ( دخترخاله ها و دختر دایي ها و پسرخاله ها و پسر دایي ها ، درجه دوم از طبقه سوم )

در موجبات ارث به موجب نسب ۳ طبقه داریم که هر طبقه نیز به ۲ دسته تقسیم می شود و در هر دسته افراد دارای درجاتی هستند البته صرفاً" در دسته اول از طبقه اول ( پدر و مادر ) درجات مختلف وجود ندارند .

نکته مهم : اولویت در ارث بردن با طبقه اول است و اگر در طبقه اول کسی نباشد در این صورت سراغ طبقات بعدی می رویم .

توضیحات طبقات :

طبقه اول :

در دسته اول طبقه اول فقط ۲ نفر قرار می گیرند و چون مستقیماً" درجه ندارند .

بنابراین پدر و مادر بدون استثناء درجه ۱ از طبقه اول نامیده می شوند .

دسته دوم ، اولاد قراردارند ، اولاد مستقیم به مانند پدر و مادر درجه ۱ از طبقه اول هستند .

اولاد اولاد ( نوه ) درجه دوم طبقه اول الی آخر .

طبقه دوم :

در دسته اول اجداد قراردارند که عقلاً" اجداد به ۲ دسته ابي و امي تقسیم می شوند .

بنابراین جد ابي و جده ابي و جد امي و جده امي درجه ۱ طبقه دوم هستند .

در دسته دوم طبقه دوم اخوه قراردارد . ( اخوه جمع اخو و اخت است )

توضیح : امکاناً" ۳ نوع اخوه وجود دارد که شامل ، ابي ، امي و ابوینی می باشد که هرکدام که باشند می شوند درجه ۱ طبقه دوم . اولاد و برادر و خواهر می شوند درجه ۲ طبقه دوم و قسط علی هذا .

طبقه سوم :

در طبقه سوم اعمام ( عمه ها ) ، اعمات ( عموها ) ، خالات ( خاله ها ) ، احوال ( دایی ها ) .

اگر عموي من با پدرم فقط از سمت پدر برادر باشند در این صورت می شود عموي ابي و اگر عموي من با پدرم صرفاً" از سمت مادر برادر باشند می شوند عموي امي ، و اگر از هر دو سمت یکی باشند می شود عموي ابوینی . عموها ، عمه ها ، خاله ها و دایی ها از هر نوع ( ابي و امي و ابوینی ) که باشند درجه ۱ از طبقه سوم می باشند . اولاد آن ها می شوند درجه دوم از طبقه سوم .

قاعده اقربیت ( الاقرب یمنع الایعد )

بر اساس قاعده اقربیت در صورت وجود طبقه مقدم ، طبقه مؤخر از ارث ممنوع است ، برای مثال با وجود هریک از اشخاص مندرج در طبقه نخست با هردرجه ای هیچ يك از اشخاص مندرج در طبقه دوم و طبقه سوم ارث نخواهند برد . همچنین در داخل هر طبقه و در داخل هر دسته همین که وراث درجه مقدمی وجود داشته باشند نوبت به ارث بردن درجات بالاتر نخواهد رسید .

نکته : وراث يك دسته ، وراث دسته دیگر را از ارث محروم نمی کنند .

## توضیح حجب :

حجب موقعیتی است که به لحاظ وجود يك وارث ، وارث دیگر سبب حجب شده ، حاجب و وراثی که به علت وجود حاجب از ارث محروم شده محجوب می نامند . ( ریشه حجب قاعده اقریبیت است )

حاجب حرمانی : وقتی وارث مقدم در درجه باشد باعث محرومیت وارث مؤخر از درجه در همان دسته می شود .

هم چنین وراث طبقه اول حاجب حرمانی خویشاوندان طبقه دوم هستند . بنابر این با وجود هر خویشاوند طبقه اول ، خویشاوند طبقه دوم و سوم از ارث محروم اند . بدین ترتیب خویشاوند طبقه اول حاجب حرمانی خویشاوند طبقه دوم و سوم است .

در داخل هر طبقه نیز خویشاوندان درجه مقدم هر دسته خویشاوندان درجه مؤخر را از ارث محروم می کنند . بنابر این پسر حاجب حرمانی نوه است .

باید دقت کنیم که این حجر حرمانی ناظر به فرضی است که خویشاوندان ابوینی و ابی هردو در يك درجه باشند . مثلاً" با بودن برادر یا خواهر ابوینی ، برادر یا خواهر ابی ارث نمی برند .

ولی اگر وحدت درجه نباشد ارث متعلق به کسی است که طبق قاعده اقریبیت وارث مقدم فرض می شود مثلاً" متوفی يك برادر و يك پسر برادر دارد . در اینجا ارث متعلق به برادر که وراث مقدم است می شود .

این قاعده يك استثنا دارد و آن این است که هرگاه وارث متوفی منحصر باشند به ۲ نفر ، یکی عموی متوفی و دیگر پسر عموی متوفی ( از يك عموی دیگر ) با این توضیح که عموی ابی است و پسر عموی ابوینی است در اینجا هرچند قاعده اقتضا می کند که عمو ارث ببرد اما استثنائاً" ارث به پسر عمو می رسد .

## حجب نقصانی :

وجود یکی از افراد باعث می شود که طرف دیگر از ارث تا حدود کمتری بهره مند شود .

مثلاً" اولاد برای زوجه حاجب نقصانی اند چرا که اگر اولاد نباشند زوجه ارث می برد ولی اگر اولاد باشد ارث زوجه است یعنی از احد اعلا به احد ادنا می رسد .

نمونه دیگر حجب نقصانی این است که اخوه متوفی اگر چه خود ارث نمی برد اما حاجب نقصانی مادر قرار می گیرد و سهم الارث او از به تنزل می یابد .

شرایط اخوه ( خواهر و برادر ) حاجب : اولاً" به شرط اینکه پدر آن ها زنده باشد ، این اخوه ۲ برادر یا بیشتر باشد یا ۴ خواهر باشد یا يك برادر و ۲ خواهر باشد . هم چنین این اخوه ابوینی یا ابی باشد هم چنین آن ها به علت قتل یا کنیزی و بردگی از ارث محروم نباشند ، هم چنان آن اخوه حاضر باشد یعنی حمل یا جنین نباشد .

## طبقه اول :

دسته اول : والدین ( پدر و مادر )

دسته دوم : اولاد ، اولاد اولاد و ...



طبقه دوم :

دسته اول : اجداد : جد و جده امي ، جد و جده ابي

دسته دوم : اخوه ابويني ، اخوه ابي ، اخوه امي

طبقه سوم :

دسته اول : بستگان مادري متوفي : ابي ، ابويني ، امي

دسته دوم : بستگان پدري متوفي : ابي ، ابويني ، امي

آيا نسب ناشي از زنا يا نطفه نامشروع ارث مي برد ؟ خير ، فقط نسب بايد مشروع باشد .

نطفه ناشي از نزديكي به شبهه در حكم نطفه مشروع است و نسبت به طرفي كه شبهه دارد ارث تعلق مي گيرد و نسبت به شخصي كه علم و اختيار (زنا) دارد ارث تعلق نمي گيرد .

نزديكي به شبهه به لحاظ آثار نكاح ، اصولاً" تمامي آثار نكاح صحيح را دارد . از جمله نفقه و ارث را دارد .

ولد ناشي از شبهه به لحاظ مسئله توارث در حكم ولد ناشي از نكاح صحيح است .

نسبت :

از يك طرف زن زنا و از يك طرف مرد شبهه . نسبت به پدر كامل و نسبت به زن ارث نمي برد . نسبت به شبهه ارث مي برد ولي نسبت به زنا نه .

ولد حاصل از شبهه به لحاظ مسئله حاصل از توارث در حكم ولد ناشي از نكاح صحيح است .

امكان دارد يكي به سبب و يكي به نسب ارث ببرد . در آن واحد به دو جهت مستحق ارث باشد .

مثلاً" زن يك نفر دختر عمو يا دختر دايي شخص باشد . كه اگر بچه داشت و اگر بچه نداشت و اگر در طبقات نسبي كسي نبود ممكن است ارث ببرد .

شرائط تحقق رابطه توارث ( ارث بردن ) :

۱- فوت مورث ( فرضي ، واقعي )

۲- وجود وارث حين الفوت .

۳- وجود تركه براي متوفي

شرائط مورد ۲ :

اولاً" شخص بايد موجود باشد ، ثانياً" حين الفوت مورث باشد .

در زوجيت :

در طلاق باین هیچ ارثی وجود ندارد ولی در طلاق رجعی در هنگام رجوع ارث محقق خواهد شد .

در مورد جنین :

۱ - انعقاد نطفه در زمان حین الفوت به عمل آمده باشد .

۲ - زنده متولد شود .

شرایط گزینه ۳ :

۱ - کفن و دفن + بدهی + وصیت + ارث = ترتیب بعد از فوت

اول منجزات مریض بعد سایر وصایا ، اگر چیزی ماند اعم از هبه معلق به فوت و وصیت تملیکی .

۵ قاعده بسیار مهم :

۱ - قاعده اقربیت : الاقرب یمنع الایعد . داخل هر دسته درجه مقدم مانع ارث بردن درجه بعدی می شوند ( مثلاً " اولاد در دسته دوم طبقه اول مانع ارث بردن اولاد اولاد می شوند .

مثلاً " در صورت وجود پسر عموی ابوینی ، عموی ابی ارث نمی برد در صورت عدم وجود هیچ وراث دیگر .

۲ - قاعده قائم مقامی : مثلاً " رسول در تاریخ ۹۱/۶/۱۰ فوت کرده و دو فرزند به نام ماندانا و بیژن دارد .

ماندانا و بیژن در تاریخ ۹۰/۶/۹ در جاده شمال تصادف می کنند و فوت می کنند . ماندانا پسری به نام رستم دارد و بیژن دختری به نام سمیرا .

با وجود اینکه پسر ۲ تا و پسر یکی می برد در اینجا سمیرا چون دختر بیژن است به قائم مقامی از پدر ۲ تا و رستم یکی می برد .

تنها استثنائی که دختر ۲ تا و پسر یکی می برد قاعده قائم مقامی است .

در دسته هایی که درجه دارند چنان چه در هر دسته وراث مقدم وجود نداشته باشند وراث مؤخر جانشین وراث مقدم می شود ، بر این اساس آن وراثی که این شخص را به متوفی وصل می کند این جانشین سهم الارث او را می برد . مانند زوجه و مادر .

ارث بردن از راه قرابت : ارث بردن از راه قرابت مربوط به وراثی می شود که سهم الارث مشخص ندارند و سهم الارث آن ها از پیش تعیین نشده است مانند پسر یا برادر ابی و برادر ابوینی .

در هنگام تقسیم ارث ابتدا سهم فرض برها داده می شود و سپس آنچه که باقی مانده است به وراث یا وراث قرابت بر می دهیم . بنابراین در مورد اینکه آیا وراث قرابت بر کمتر ارث می برد یا زیادت ، جواب در واقع تابع این است که بین وراث آن متوفی چه تعداد وراث فرض بر وجود داشته باشد . طبیعتاً " اگر وراث فرض بر زیاد باشند ، سهم وراث قرابت بر زیاد خواهد بود .

مثال: متوفی دارد یک مادر و یک پسر .

مادر فرض بر و پسر قرابت بر .

( زوجه ) و ( مادر ) ( پدر )

= = + +

در این فرمول مخرج مشترك مي گيريم و مي بينيم كه ۸ و ۶ به عدد ۲۴ تقسيم مي شوند .

پس بهتره ۲۴ را بعنوان مخرج مشترك قرار دهيم .

۳ گونه وراث وجود دارد :

برخي از وراث هميشه فرض برند . مانند مادر و اخوه امي يا كلاله امي ( خواهر و برادر ) ، متوفي اگر بچه داشته باشد مادر اگر نداشته باشد .

برخي وراث هميشه قرابت برند . مانند پسر ، برادر ابي و ابويني هميشه قرابت برند .

جد و جده ابويني هميشه به قرابت ارث مي برند .

دسته سوم وراث گاهي به قرابت و گاهي به فرض ارث مي برند . مانند پدر ، دختر و دخترها ، خواهر و خواهران ابي و ابويني . اگر متوفي اولاد داشته باشد پدر فرض بر است و سهم او است اما اگر اولاد نداشته باشد سهمش هر چه مانده مي شود .

قاعده ۳ : محروم بودن خویشان ابي از ارث : در فرض وجود خویشان ابويني در طبقات دوم و سوم در صورت وحدت درجه . خویشان امي در هر صورت ارث مي برند .

مثلاً" دو برادر ابي ارث نمي برند ولي ۳ برادر ابويني ارث مي برند .

يك برادر امي ارث مي برد ، ۲ برادر ابي ارث مي برند ولي ۱ برادر زاده ابويني ارث نمي برد .

قاعده ۴ : دوبرابر بودن سهم ذكور نسبت به سهم اناث در اولاد ، اجداد ابي ، اخوه ابويني ، اخوه ابي ، اعمام ابي و اعمام ابويني .

قاعده ۵ : تساوي سهم ذكور و اناث در پدر و مادر ( هرگاه متوفي اولاد داشته باشد ) ، اخوه امي ، اجداد امي ، اعمام امي و احوال .

متوفي دارد :

جد و جده امي + ۱ خواهر امي + ۱ برادر امي

جد و جد ابي + ۳ برادر ابويني + ۲ خواهر ابويني

آنچه به خویشاوندان امي مي رسد به نسبت مساوي مي رسد به نسبت مساوي میانشان تقسيم مي گردد . برخلاف خویشاوندان ابي و ابويني كه نسبت ۲ به ۱ میان زن و مرد تقسيم مي شود .

مثلاً" به امي ها و از قرابت به ابي

مثلاً ۹۰ میلیون ما ترك است ، ۳۰ میلیون به امي ها و ۶۰ میلیون به ابي . در امي ها ۳۰ تقسیم بر ۴ مي شود ولي در ابي ۲ تا پسر و يكي دختر .

فرض و صاحبان فرض : ارث بردن يا از راه فرض است و يا قرابت .

ارث بردن از راه فرض : سهم الارث هاي مشخصي هستند كه از جانب شرع مشخص شده و هر كدام يك عدد كسري هستند و به وراثي كه سهم الارث معين دارند ، در اصطلاح فرض بر گفته مي شود .

فرض ها :

فرض متعلق است به تك دختر ، تك خواهر ( ابي يا ابويني ) شوهر اگر متوفي اولاد نداشته باشد .

فرض شوهر اگر متوفي اولاد داشته باشد زوجه يا زوجه ها در صورت فقدان اولاد براي متوفي .

فرض صرفاً " متعلق به زوجه يا زوجه هاست .

فرض متعلق است به چند دختر خالص ( پسر نداشته باشد ) چند خواهر ابويني يا ابي خالص ( برادر نداشته باشد )

فرض متعلق است به مادر در صورتي كه متوفي اولاد و حاجب اخوه نداشته باشد و اخوه امي متعدد مي برد .

فرض متعلق است به پدر و مادر در صورتي كه متوفي اولاد داشته باشد يا اخوه امي واحد .

ارث بردن از راه مازاد بر فرض به ۲ صورت است :

۱- همه وراث فرض بر باشند .

۲- مجموع فرض ها از مجموع ما ترك کمتر باشد .

در صورتي كه وراث همه فرض بر باشند و در اين بين هيچ قرابت بري وجود نداشته باشد . مانند اينكه وراث منحصر باشند به يك مادر و پدر و دختر ، در اين صورت با توجه به اينكه سهم پدر ، سهم مادر و سهم دختر و مجموع سهام آنها خواهد شد لذا ملاحظه مي شود كه از مجموع ما ترك باقي مي ماند ، در اين صورت بايستي كه براي تقسيم ما ترك باقي مانده سهم هريك از وراث فرض بر را در مجموع سهام همه وراث تقسيم نمود .

+ + = =

دختر ، پدر و مادر هر كدام و باقيمانده

مازاد تقسيم بر ۳ نفر ( پدر و مادر و دختر ) مي شود .

= =

= =

زوج و زوجه از رد مازاد بر فرض منتفع نمی شود ، استثنائاً" در صورتی که به جز زوج فرض بردیگری نباشد در این صورت مابقی به او رد می شود .

پدر اگر اولاد داشته باشد فرض بر این است که ارث می برد و اگر اولاد نداشته باشد قرابت بر است . مادر همیشه فرض بر است که اگر اولاد داشته باشد و اگر نداشته باشد .

توزیع سهام وراث طبقه نخست :

به طوری که می دانیم وراث طبقه اول مشتمل بر دو دسته اند ، دسته اول والدین و دسته دوم اولاد ، اولاد اولاد و ... در این میان مادر همیشه فرض بر است و پسر همیشه قرابت بر . دختر و دختر ها و پدر گاهی به فرض و گاهی به قرابت ارث می برند . سهم الارث ادنای مادر و سهم الارث اعلی او است که در فرض فقدان اولاد به او تعلق می گیرد . پسر همیشه قرابت بر است و پس از کنار گذاشتن سهم وراث فرض بر ، مابقی ماترک به پسر داده می شود . اما پدر چنانچه متوفی اولاد داشته باشد پسر فرض بر بوده و سهم الارث او است و چنان چه متوفی اولاد نداشته باشد سهم الارث پدر به قرابت خواهد بود .

سهم الارث دختر و دختر ها : در صورتی که متوفی فرزند ذکور نداشته باشد در این صورت دختر و دختر ها فرض برند . تک دختر ، چند دختر ، و اگر متوفی فرزند ذکور داشته باشد دختر و دخترها قرابت بر هستند که به قاعده ۲ به ۱ بین دختر و پسر ما ترک تقسیم می شود . در صورت نبودن اولاد ، اولاد اولاد حصه آنها را به قائم مقامی ارث می برد و هر نسل حصه کسی را می برد که به واسطه او به میت می رسد . بنابراین اولاد دختر متوفی سهم الارث دختر متوفی را می برند و اولاد پسر متوفی سهم الارث پسر متوفی را می برند .

صورت های گوناگون وراث :

الف ) انحصار وراث به والدین :

پدر تنها : در این صورت تمام ترکه به قرابت به پدر می رسد .

مادر تنها : در این صورت مادر به فرض و ترکه را به رد به ارث می برد .

متوفی دارد پدر و مادر :

در این صورت مادر به فرض به ارث می برد و پدر با توجه به اینکه در اینجا قرابت بر محسوب می شود قرابت می برد . و اگر از ناحیه اخوه متوفی حاجب داشته باشد مادر به فرض و پدر به قرابت به ارث می برد .

نکته : در این ۳ صورت هریک از زوجین که زنده باشد فرض اعلاي خود را می برد چون متوفی اولاد ندارد ، زوجه و زوج می برد .

انحصار وراث به اولاد :

پسر تنها : کل ترکه را به قرابت می برند .

تک دختر : تک دختر به فرض به ارث می برد و باقی مانده را نیز به رد می برد .

دختران : دختران در صورت تنها بودن به فرض و باقی مانده را به رد می برند .

پسر و دختر یا پسران و دختران : در این صورت ما ترك را به قرابت ارث برده و میان آن ها به نسبت ۲ به ۱ تقسیم می شود .

والدین با اولاد :

پدر با يك دختر : دختر به فرض و پدر به فرض و مابقی به نسبت فرمولی که پیش از این گفته شد به رد تقسیم می شود .

مادر با يك دختر : مادر به فرض و دختر به فرض و مازاد به رد تقسیم می شود نسبت به هردو .

هر دو والدین با يك دختر : مادر ، پدر ، دختر ، مابقی به رد تقسیم می شود .

پدر و مادر با چند دختر : پدر ، مادر ، چند دختر ، که مجموع آن ها می شود و چیزی باقی نمی ماند .

پدر و مادر با پسر و دختر یا با پسران و دختران : به مادر ، به پدر ، مابقی به قرابت بین دختر و پسر یا دختران و پسران به نسبت ۲ به ۱ تقسیم می شود .

والدین ، چند دختر ، زوج : پدر ، مادر ، چند دختر ، زوج .

$$+ + + = =$$

در این فرض ترکیه کم می آید و مجموع سهام وراثت از عدد ما ترك بیش تر است در این صورت نقص بر دختران وارد می شود لذا با آن ها همچون قرابت بر برخورد می شود .

$$+ + = =$$

توزیع سهم الارث طبقه دوم : به طوری که می دانیم وراثت طبقه دوم دو دسته می باشند :

دسته نخست اجداد هستند اعم از اجداد ابي و اجداد امي و دسته دوم اخوه قرار دارد ( خواهر و برادر ) و اولاد آن ها اعم از اخوه ابي ، امي ، ابويني .

احکام اخوه :

۱- با وجود اخوه ابويني ، اخوه ابي از ارث محروم است .

۲- اخوه ابويني و ابي هیچ کدام اخوه امي را از ارث محروم نمی کنند .

۳- تقسیم ارث بین اخوه امي به قاعده تساوي است ولي تقسیم ارث بین اخوه ابي و اخوه ابويني به قاعده ۲ به ۱ است .

۴- اخوه امي همیشه فرض بر است ، اگر واحد باشد بر امي ها ، متعدد باشد .

۵- درمورد اخوه ابويني یا ابي خالص خواهر فرض بر این است واحد باشد و متعدد باشد . ولي خواهر کنار برادر ارث او از باب قرابت بوده و به قاعده ۲ به ۱ ارث می برند .

۶- در مورد اجداد امي باید دانست که اجداد امي همواره فرض برند . فرض جد یا جده امي واحد است و فرض اینکه جد یا جده امي که هر دوي آنها باهم باشد ارث می برند .

نکته ( مهم ) : در فرض اجتماع جد یا جده امی چه واحد و چه متعدد ، سهم همه آن ها باهم است .

نکته : در طبقه دوم هرگاه مجموع فرض ها بیشتر از مجموع ترکه باشد ، نقص بر خواهران ابوینی یا ابی وارد می شود ، مثلاً " متوفی دارد زوج ، اخوه امی متعدد ، دو خواهر ابوینی .

در این صورت با توجه به اینکه مجموع سهام بیش تر می شود خواهران ابوینی به قرابت باقی مانده را می برند .

حالتهاي وراث طبقه دوم :

الف ( انحصار وراث به اخوه :

همه امی ها : به فرض می برند و به رد می برند .

همه ابی : ارث بردن تمام ترکه از باب قرابت .

همه ابوینی : تمام ترکه را به قرابت ارث می برند .

اخوه ابی با اخوه امی ، اخوه امی با اخوه ابوینی ، اخوه امی با اخوه ابی و اخوه ابوینی ( ابی ارث نمی برد ، اگر امی ها واحد است و اگر متعدد است . باقی مانده به ابوینی .

انحصار وراثت به اجداد : هر ۲ امی ( جد و جده امی ) : به فرض ، به رد .

هر دو ابی تمام ترکه را به قرابت به ارث می برند .

برخی ابی و برخی امی : به جد یا جده امی ، مابقی به قرابت به جد یا جده ابی می رسد .

اجتماع اخوه با اجداد : پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری ۲ تا برادر امی و ۱ خواهر ابی . به فرض

پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری ابی ، برادر و خواهر ابوینی به قرابت .

متوفی سمت پدری و سمت مادری و یک زوج دارد .

پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری و اخوه مادری .

پدر بزرگ و مادر بزرگ و اخوه ی ابی یا ابوینی و زوج .

+ = =

باقی مانده از بابت قرابت به پدری ها می رسد .

طبقه سوم : هر موقع ۲ طبقه نبودند و فقط طبقه سوم بود .

منصوبین مادر متوفی ( دایی و خاله )

منصوبین پدر متوفی ( عمو و عمه )

متوفي ۱ دایي ، ۱ خاله ، ۳ تا اعمو ، ۴ اعمه دارد .

منسوبین مادري مي روند يك طرف و ارث مي برند و از باب فرض و به نسيبه تقسيم مي شود .

منسوبین پدري ارث مي برند و از باب قرابت مي برند به نسبت ۲ به ۱ .

پایان